

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث همتادو، همتم: استخاله ذهنی - فرسنگی!

عَنْ أَبِي جُحَيْفَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

... مَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفًا وَ لَمْ يُنْكِرْ مُنْكَرًا، قَلْبٌ، فَجَعَلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ.

* سند روایت:

نهج البلاغه (للصباحي صالح)؛ ص ۵۴۲؛ حکمت ۳۷۵ (ترجمه از دشتی) - هداية الأمة إلى أحكام
الأئمة عليهم السلام؛ ج ۵؛ ص ۵۷۳ - وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۳۴ - بحار الأنوار (ط -
بيروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۸۹ - غرر الحكم و درر الكلم؛ ص ۲۳۹ - عيون الحكم و المواعظ (لليثي)؛
ص ۱۵۳ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۹۳

* شرح و ترجمه حدیث:

از حضرت امیر علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند:

کسی که با قلبش معروفی را ستایش نکند و منگری را رد و انکار نکند (با رفتارش معروف را معروف و منکر را منکر ندارد؛ از معروف بودن معروف و منکر بودن منکر در جامعه حراست و پاسداری نکند؛ یا امر به معروف و نهی از منکر را حتی در مرتبه ی قلبی و رفتاری هم انجام ندهد)، قلبش واژگونه گشته و بالای آن پایین و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت (به مرور جای معروف و منکر، حتی در ذهن خود او هم جابجا می شود).

* نکات:

– روایت در خصوص «استحاله فرهنگی» و «جابجایی معروف و منکر»، و بحث «عادی شدن گناه»، و «عواقب» آن برای همه مردم و به ویژه ایمان و اعتقادات مردم است.

* پیام ها و رهنمودها:

– حضرت می فرماید: اگر کاری کردید که معروف برای مردم همیشه معروف بماند و منکر برای مردم همیشه زشت بماند، آنگاه (نه تنها مردم)، بلکه خودتان هم واژگون نمی شوید و به اصطلاح چپ نمی کنید! اما اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید، به مرور جای معروف و منکر در ذهن شما هم (که اهل انجام آن منکرات نبودید و شروع کننده ی رواج آنها در جامعه نبودید)، جابجا می شود. مثلاً دزدی می شود پُز! یا اینکه خانم سیگار دستش بگیرد می شود زشت و پرستیژ! می شود ارزش! بی حجابی می شود مایه تحویل گرفتن بیشتر و...!

– اگر ارزش و ضد ارزش جای شان عوض شود، آن وقت: «فَجَعَلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ»؛ خداوند هم ما را کله پا می کند و باورهای مان عوض می شود؛ پس علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد! دست پیش بگیرید تا پس نیفتید. گناه می بینید امر به معروف و نهی از منکر کنید و نگذارید

گناه در ذهن خودتان و دیگران عادی شود. چون اگر «عادی» شود بتدریج «ارزش» می شود. اگر به گناهکار تذکر ندهیم کم کم باورش می شود که این کار خنثی است و عیب نیست. اگر باز هم تذکر ندهیم باورش می شود که این کار خیلی هم خوب است! و شما اَمَل هستید که آن را انجام نمی دهید...؛ و کلاً دیگر آن را گناه نمی داند. جدیداً در این کشورهای اطراف ما مثل ترکیه رسم شده که کاباره و فاحشه خانه و شراب فروشی افتتاح می کنند و موقع افتتاح، نماز جماعت می خوانند و از خدا طلب رزق و روزی واسع و مثلاً حلال و... می کنند! که خدایا برکت بده به این شراب فروشی و کاباره ما!! این واقعیت است. یعنی در ذهن شان دیگر شراب و فحشا بد نیست و عادی شده. و دیگران زمان می برد تا این مسئله در ذهن شان درست شود.

پس چه کنیم؟ هنوز دیر نشده است، باید جلوییش را بگیریم. اگر امر به معروف نکنیم جای ارزش و ضدارزش با هم عوض می شود؛ قدری دیر شده، ولی نصرت خداوند با ماست و هر وقت پا به میدان بگذاریم، خدا با ماست: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ...».

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث همتادو، ششم: وهدیه ای برای خداوند...

جاء رجل إلى النبي صَلَّى الله عليه وآله فقال له: أأذن لي أن أتمنى الموت؟

فقال صَلَّى الله عليه وآله:

الموت شيء لا بدّ منه؛ و سفر طويل ينبغي لمن أرادَه أن يرفع عشر هدايا.

فقال [الرجل]: وما هي؟

قال صَلَّى الله عليه وآله:

هدية عزرائيل، و هديه القبر، و هديه منكر و نكير، و هديه الميزان، و هديه الصراط، و هديه مالك، و هديه رضوان، و هديه النبي صَلَّى الله عليه وآله، و هديه جبرئيل، و هديه الله تعالى؛

(١) و اما هديه عزرائيل أربعة أشياء: رضاء الخصماء، و قضاء الفوائت، و الشوق إلى الله، و التمني

للموت. (٢) و اما هديه القبر أربعة أشياء: ترك النميمه، استبراء من البول، و قرائه القرآن، و صلاه

الليل. (٣) و هديه منكر و نكير أربعة أشياء: صدق اللسان، و ترك الغيبه، و قول الحق، و التواضع

لكل أحد. (٤) هديه الميزان أربعة أشياء: كظم الغيظ، و ورع صادق، و المشي إلى الجماعات و

التداعي إلى المغفرات. (٥) و هديه الصراط أربعة أشياء: إخلاص العمل، و حسن الخلق، و كثره

ذکر الله، و احتمال الأذى. (٦) و هَدِيَّهٖ مَالِكٌ أَرْبَعَهُ أَشْيَاءَ: الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ صَدَقَهُ السَّرُّ وَ تَرَكُ الْمَعَاصِي وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ. (٧) و هَدِيَّهٖ رِضْوَانٌ أَرْبَعَهُ أَشْيَاءَ: الصَّبْرُ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَ الشُّكْرُ عَلَى نِعْمِهِ، وَ إِتْفَاقُ الْمَالِ فِي طَاعَتِهِ، وَ حِفْظُ الْأَمَانَةِ فِي الْوَقْفِ. (٨) و هَدِيَّهٖ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَرْبَعَهُ أَشْيَاءَ: مَحَبَّتَهُ، الْإِقْتِدَاءُ بِسُنَّتِهِ، وَ مَحَبَّةُ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ حِفْظُ اللِّسَانِ عَنِ الْفَحْشَاءِ. (٩) و هَدِيَّهٖ جِبْرَائِيلُ أَرْبَعَهُ أَشْيَاءَ: قَلَّةُ الْأَكْلِ، وَ قَلَّةُ النَّوْمِ، وَ مَدَاوِمَةُ الْحَمْدِ، وَ قَلَّةُ الْكَلَامِ. (١٠) و هَدِيَّهٖ اللَّهُ تَعَالَى أَرْبَعَهُ أَشْيَاءَ: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ النَّصِيحَةُ لِلخَلْقِ وَ الرَّحْمَةُ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ.

* سند روایت:

مَنْقُولٌ مِنْ كِتَابِ «لِبَابِ الْأَلْبَابِ» - تَحْرِيرُ الْمَوَاعِظِ الْعَدِيدِ - نَصَائِحُ

* شرح و ترجمه حدیث:

مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرض کرد: آیا اجازه می‌فرمایید به من که آرزوی مرگ کنم؟ (آیا درخواست مرگ کردن اشکالی دارد...؟)

حضرت فرمودند: مرگ چیزی است که (حق است و) گریزی از آن نیست؛ و سفر طولانی بی است که سزاوار است کسی که اراده (تمنا) ی آن را می‌کند، ده هدیه را بالا بفرستد (برای ده کسی یا ده جا هدیه ای از قبل آماده کرده باشد)؛

مرد پرسید: و آن ده هدیه چه هستند؟!؛

حضرت فرمودند:

هدیه ای برای عزرائیل (که با ما سخت نکیر د...)، هدیه ای برای قبر، هدیه ای برای نکیر و منکر، هدیه ای برای (ترازوی) میزان (تا ترازوی عملت درست بایستد)، هدیه ای برای (پل) صراط، هدیه ای برای مالک (دربان دوزخ، که ما را وارد جهنم نکند)، هدیه ای برای رضوان (دربان بهشت، که اجازه بدهد وارد آن شویم)، هدیه ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله، هدیه ای برای

جبرئیل و هدیه ای برای خداوند متعال (که آنجا تقدیم ایشان کنیم...؛ که هر یک از این ده هدیه، شامل چهار چیز یا چهار تکه است که برای هر کدام باید آماده کنیم)؛

(۱) و اما هدیه عزرائیل، که چهار چیز است: ۱. رضایت حق داران ۲. قضای نمازهای فوت شده ۳. اشتیاق به خداوند ۴. آرزوی مرگ؛

(۲) و هدیه قبر هم چهار چیز است: ۱. ترک سخن چینی (برای اینکه قبرت اذیت نکند سخن چینی نکن!) ۲. استبرای از ادرار ۳. قرائت قرآن (که عذاب قبر را کم می کند) ۴. نماز نافله شب (که نباید ازش غافل بشویم)؛

(۳) و هدیه منکر و نکیر (نکیر و منکر یعنی ناشناس و ناشناس! یعنی هیچ صنمی با کسی ندارند! نه پارتی، نه آشنای فلانی هستیم و...؛ وقتی این دو بزرگوار تشریف می آورند خدا باید به داد همه مان برسد؛ اما این چهار چیز را می توانیم تقدیم آنها کنیم تا به ما راحت بگیرند): ۱. راستگو بودن ۲. ترک غیبت (که این هم گناه زبان است!) ۳. همیشه کلام حق را گفتن ۴. فروتنی برای همه (مانند اهل بیت ع و انبیاء ع و اولیا و بزرگان که پر از تواضع و فروتنی بودند؛ به هر کس می رسیدند، بزرگ و کوچک و پیر و جوان، اول آنها سلام می کردند...؛ این فروتنی است! که باعث می شود نکیر و منکر به ما آسان بگیرند)؛

(۴) و هدیه ای که باید به ترازوی میزان بدهیم: ۱. فرو خوردن خشم ۲. دوری از گناه و تقوای راستین ۳. همراهی و شرکت در جماعات (مثل آنهایی که در نمازهای جماعت شرکت می کنند و ترازوی عمل شان را سنگین می کنند) ۴. دعوت مردم به اعمالی که سبب بخشش گناهان می شود (مثل دعوت کردن مردم به دعای کمیل یا مثلاً راهیان نور و... که یک جور امر به معروف هم هست و مصداق دعوت به حسناتی است که سیئات و گناهان مردم را می ریزد (انَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ)؛

(۵) و هدیه پل صراط (که بتوانیم از جهنم راحت عبور کنیم و داخل نشویم...): ۱. اخلاص در اعمال، ۲. خوش خلقی (با مردم و مخصوصاً با خانواده و دوستان) ۳. زیاد یاد خدا کردن (یا دائم ذکر بودن) ۴. تحمل آزار دیگران (سعه صدر داشتن با دیگران)؛

(۶) و هدیه مالک: ۱. گریه از ترس خدا (خوشا به حال آنها که نیمه شب ها از ترس خدا و از گناهان خودشان گریه می کنند، حرم امامزادگان می روند گریه می کنند و...) ۲. صدقه دادن مخفی و پنهانی (صدقه مالی یا صدقه هدایت مردم...) ۳. ترک گناه ۴. نیکی، خوش رفتاری و مهربانی با پدر و مادر (که اینها احتمال اینکه مالک جهنم ما را وارد جهنم کند کم می کند)؛

(۷) و هدیه رضوان (چه چیزی به دربان بهشت بدهیم؟): ۱. صبر داشتن در مشکلات و ناملايمات زندگی (جزع و فرع و بی تابی نداشتن) ۲. شکر هر نعمت (ریز و درشت) خداوند ۳. بذل مال در راه اطاعت خداوند ۴. رعایت امانت در مال وقفی؛

(۸) و اما هدیه پیامبر صلی الله علیه و اله (برای پیامبرمان چه چیز هدیه ببریم تا ایشان از ما خوششان بیاید؟): ۱. محبت و عشق ورزیدن به ایشان (اینقدر دوست شان داشتیم که هر چه گفتند گوش دادیم...) ۲. اقتدا کردن به سنت و سیره ایشان (سعی کردیم ایشان را اسوه حسنه و الگوی خودمان قرار دهیم...) ۳. محبت اهل بیت شان (ع) ۴. مراقبت زبان از زشتی ها و بددهنی (اینهایی که به بددهنی و حرف زشت زدن عادت کرده اند باید به شان تذکر داد؛ چون اگر جلوی شان را نگیریم، پیامبر ص آن دنیا از دستشان ناراحت خواهند بود...)

(۹) و هدیه جبرائیل (جناب جبرئیل چه هدیه ای را دوست دارند و از چه کسانی خوششان می آید؟): ۱. کم خوری ۲. کم خوابی ۳. مداومت بر حمد و ستایش خدا ۴. کم گویی (کسانی که در دنیا کم حرف بودند؛ ولی به موقع هم حرف می زدند، اما حرف بی خود نمی زدند. همچنین «قلیل المَعُونَه» یا ساده زیست بودن مومن مهم است؛ یعنی در حالی که از لذت های حلال استفاده می کند، همیشه هم در بخور و بخواب نیست! بر خلاف بعضی که همه ی غصه شان خوابیدن و خوراک شکم شان است...)

(۱۰) و هدیه خداوند بزرگ متعال: ۱. امر به معروف کردن ۲. نهی از منکر کردن ۳. نصیحت و خیر خواهی برای مردم ۴. مهربانی برای همه مردم.

* نکات:

– این حدیث، روایت زیبایی است از رسول خدا (ص) درباره مرگ! لذا باید خیلی به آن دقت کنیم. روایتی شامل ۱۰ بند، که هر بندش ۴ کلمه دارد؛ در خصوص اینکه: «چه کنیم که از مرگ نترسیم؟!».

– مرگ، واقعیت و مسافرت درازی است که برای همه پیش خواهد آمد، ولی آیا خودمان را برای آن آماده کرده ایم؟؟ جهازمان را برای مرگ برداشته ایم؟ حضرت رسول ص در این روایت می فرمایند: کسی که می خواهد برای مرگ آماده بشود، یا آن را طلب کند و «عَجَل وَفَاتی...» بگوید، باید ۱۰ هدیه یا کادو را از پیش آماده کرده باشد و بعد بگوید من آماده هستم! اگر این ده هدیه را آماده کرده ایم، خیال مان از مرگ راحت باشد...

– اینکه روایت می فرماید باید اعمالی را به عنوان هدیه (مثلاً) به پل صراط یا ترازوی میزان و... بدهیم، شاید منظور از هدیه، واقعا تجسمی از آن موضوع یا عمل (بصورت موجودی زنده) باشد؛ که این را ما نمی دانیم! ولی در هر صورت آنچه مسلم است این عمل ما، آنجا کارمان را راه می اندازد. و این هدیه باعث می شود بتوانیم از پل صراط و... به سلامتی رد شویم؛ حالا یا منظور «تقدیم کردن آن عمل» است و یا «راه انداز بودن آن عمل و هدیه»...

– ما فعلا به بررسی سندیت این روایت خیلی نمی پردازیم و خوب است بدان پرداخته شود؛ اما محتوای آن، مطلبی است که به فرض ضعف در سند نیز قابل پذیرش است.

– هر کدام از این بندها، مطالب زیادی برای گفتن دارند (که البته شما از بنده بهتر می دانید...); لیکن چون حدیث طولانی است و غرض ما تمرکز بر بند آخر (یعنی هدیه خداوند متعال، که از همه نیز مهمتر است) می باشد، لذا عمداً سریع از روی مابقی رد می شویم و صرفاً در حد اشاره بحث می کنیم.

* پیام ها و رهنمودها:

– هدف اصلی از نقل این روایت بسیار زیبا در اینجا، بیشتر بند آخر و مرحله آخر است، یعنی هدیه ای که باید برای خداوند متعال آماده کنیم. البته بندها و مراحل قبلی نیز به نکات و اعمال مهمی اشاره می کند، اما به هر حال اصل کاری همین خداوند است (وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ)؛ اگر این هدیه را درست به نزد خداوند ببریم، بالاخره مابقی هم تحت امر خداوند هستند و می شود یک جوری با آنها هم کنار آمد. حال هدیه ای که برای خداوند است، چیست؟! که انشاءالله همه مان برای خدا آماده کنیم؟ «الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و النصیحه للخلق و الرحمه علی کلّ أحد»؛ این است که این روایت انسان را به وجد می آورد! چون ما بهترین هدیه را باید برای خدا ببریم، و این یعنی «امر به معروف و نهی از منکر و خیرخواهی و نصیحت مردم و مهربانی با همه» (که روح حاکم بر هر چهار عمل، یکی است)، بهترین توشه ای است که برای سفر آخرت و پیش از مرگ باید و می توانیم در توشه ی خود بگذاریم.

– خدایا ببین که ما پشت حسین ع را خالی نکردیم! تو گفته بودی که «امر به معروف» و «نهی از منکر» کنید، ما هم سعی کردیم مردم را هدایت کنیم و دوست شان داشته باشیم و نجات شان بدهیم و دل مان برای شان بسوزد. و این هم جز از سر «مهربانی با همه ی مردم» نیست؛ حتی آن پرستاری هم که یک آمپول به یک بیمار می زند تا حالش خوب شود هم کارش از سر مهربانی است. اگر اهل بیت ع سر کسی داد هم می زدند یا در جنگ ها زخمی بر کسی وارد می کردند، آن هم از سر مهربانی بود...

خدایا به ما توفیق بده تا این هدیه را بهتر از بقیه، «برای خودت» آماده کنیم و روز قیامت شرمنده ات نباشیم. و ان شالله روز قیامت جزو اصحاب اعراف باشیم.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث همتادونم: داستان زن فاحشه و نهی از منکر مرد عابد

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنْ مَنْ
أَخْبَرَهُ،

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

كَانَ عَابِدٌ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يُقَارَفْ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا شَيْئًا فَخَرَّ إِبْلِيسُ نَخْرَةً فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ جُنُودُهُ فَقَالَ
مَنْ لِي بِفُلَانٍ فَقَالَ بَعْضُهُمْ أَنَا لَهُ فَقَالَ مِنْ أَيْنَ تَأْتِيهِ فَقَالَ مِنْ نَاحِيَةِ النِّسَاءِ قَالَ لَسْتُ لَهُ لَمْ يَجْرِبِ
النِّسَاءُ فَقَالَ لَهُ آخِرُ فَأَنَا لَهُ فَقَالَ لَهُ مِنْ أَيْنَ تَأْتِيهِ قَالَ مِنْ نَاحِيَةِ الشَّرَابِ وَ اللَّذَاتِ قَالَ لَسْتُ لَهُ لَيْسَ
هَذَا بِهِذَا قَالَ آخِرُ فَأَنَا لَهُ قَالَ مِنْ أَيْنَ تَأْتِيهِ قَالَ مِنْ نَاحِيَةِ الْبِرِّ قَالَ انْطَلِقْ فَأَنْتَ صَاحِبُهُ فَانْطَلِقْ إِلَى
مَوْضِعِ الرَّجُلِ فَأَقَامَ حِذَاهُ يُصَلِّي قَالَ وَ كَانَ الرَّجُلُ يَنَامُ وَ الشَّيْطَانُ لَا يَنَامُ وَ يَسْتَرِيحُ وَ الشَّيْطَانُ لَا
يَسْتَرِيحُ فَتَحَوَّلَ إِلَيْهِ الرَّجُلُ وَ قَدْ تَقَاصَرَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ وَ اسْتَصَغَرَ عَمَلُهُ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِأَيِّ شَيْءٍ قَوَيْتَ
عَلَى هَذِهِ الصَّلَاةِ فَلَمْ يَجِبْهُ ثُمَّ أَعَادَ عَلَيْهِ فَلَمْ يَجِبْهُ ثُمَّ أَعَادَ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنِّي أَذْنَبْتُ ذَنْبًا وَ أَنَا
تَائِبٌ مِنْهُ فَإِذَا ذَكَرْتُ الذَّنْبَ قَوَيْتُ عَلَى الصَّلَاةِ قَالَ فَأَخْبِرْنِي بِذَنْبِكَ حَتَّى أَعْمَلَهُ وَ أَتُوبَ فَإِذَا فَعَلْتَهُ
قَوَيْتُ عَلَى الصَّلَاةِ قَالَ ادْخُلِ الْمَدِينَةَ فَسَلْ عَنْ فُلَانَةَ الْبَغِيَّةِ فَأَعْطِهَا دِرْهَمَيْنِ وَ نَلْ مِنْهَا قَالَ وَ مِنْ أَيْنَ
لِي دِرْهَمَيْنِ مَا أَدْرِي مَا الدِّرْهَمَيْنِ فَتَنَاوَلَ الشَّيْطَانُ مِنْ تَحْتِ قَدَمِهِ دِرْهَمَيْنِ فَنَاوَلَهُ إِيَّاهُمَا فَقَامَ
فَدَخَلَ الْمَدِينَةَ بِجَلَابِيهِ يَسْأَلُ عَنْ مَنْزِلِ فُلَانَةَ الْبَغِيَّةِ فَأَرْسَدَهُ النَّاسُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ جَاءَ يَعْظُمُهَا فَأَرْسَدُوهُ

فَجَاءَ إِلَيْهَا فَرَمَى إِلَيْهَا بِالدَّرْهِمَيْنِ وَقَالَ قَوْمِي فَقَامَتْ فَدَخَلَتْ مَنْزِلَهَا وَقَالَتْ ادْخُلْ وَقَالَتْ إِنَّكَ جُنْتَنِي فِي هَيْئَةٍ لَيْسَ يُوتَى مِثْلِي فِي مِثْلِهَا فَأَخْبَرَنِي بِخَبْرِكَ فَأَخْبَرَهَا فَقَالَتْ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنْ تَرَكَ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ وَ لَيْسَ كُلُّ مَنْ طَلَبَ التَّوْبَةَ وَجَدَهَا وَإِنَّمَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ هَذَا شَيْطَانًا مِثْلَ لَكَ فَأَنْصَرِفْ فَإِنَّكَ لَا تَرَى شَيْئًا فَأَنْصَرَفَ وَمَاتَتْ مِنْ لَيْلَتِهَا فَأَصْبَحَتْ إِذَا عَلَى بِأَبِهَا مَكْتُوبٌ أَحْضَرُوا فَلَأَنَّهُ فَإِنَّهَا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَارْتَابَ النَّاسُ فَمَكْتُوًا ثَلَاثًا لَمْ يَدْفِنُوهَا ارْتِيَابًا فِي أَمْرِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ - لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنْ أَنْتِ فَلَأَنَّهُ فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ مَرِ النَّاسِ أَنْ يُصَلُّوا عَلَيْهَا فَإِنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهَا وَ أَوْجِبْتُ لَهَا الْجَنَّةَ بِتَشْبِيْطِهَا عَبْدِي فَلَأَنَّا عَنْ مَعْصِيَتِي

* سند روایت:

الروضه من الكافي (ترجمه رسولى محلاتى؛ ج ۲؛ ص ۲۴۲) - وسائل الشيعه ج ۱۶ ص ۱۳۲

طريق اول: (مرسل، تعليق) محمد بن يعقوب [تعليق] [الكلىنى، امامى ثقة جليل] عن محمد بن يحيى [الطار، امامى ثقة جليل] عن أحمد بن محمد بن عيسى [الاشعري، امامى ثقة جليل] عن علي بن الحكم [الانبارى، امامى ثقة جليل] عن محمد بن سنان [الزاهري، امامى مختلف فيه والتحقيق انه ثقة] عن من أخبره عن أبي عبد الله ع فى حديث طويل ملخصه

* شرح و ترجمه حديث:

از امام جعفر صادق عليه السلام روايت کرده اند که ايشان (داستانی را مربوط به زمانه بنى اسرائيل) چنين نقل کرده اند:

در بنى اسرائيل مرد عابدى بود که بهیچ وجه بدنیا آلوده نشده و گرد آن نگشته بود. شیطان (که از وضع او رنج می بُرد) از بینى خود فریاد کشید (تا) لشکریانش به دور او جمع شدند. بدانها گفت: کدامیک از شما است که بتواند این شخص را از راه به در کند؟ یکی گفت: من (حاضرَم)!

گفت: از چه راه بسراغش می روی؟ پاسخ داد: از راه زنان؛ شیطان گفت: تو حریف او نیستی، چون او زنان را نیازموده (و لذتی از آنها نبرده که گول بخورد). دیگری گفت: من! پرسید: تو از چه راه گولش می زنی؟ گفت: از راه باده‌گساری و خوشی‌ها؛ شیطان (بزرگ) گفت: تو هم مرد این کار نیستی، چون او اهل این‌ها نیست. سومی گفت: من او را گمراه می‌کنم؛ پرسید: از چه راه؟ گفت: از راه کار خیر! شیطان گفت: برو که تو حریف او هستی!!

شیطانک آمد و در برابر او جایی را انتخاب کرد و شروع کرد به نماز خواندن. و آن عابد چنان بود که (قدری در شبانه‌روز) می‌خوابید و استراحت می‌کرد، ولی شیطانک هیچ نمی‌خوابید و استراحت نداشت (یکسره نماز می‌خواند و مشغول عبادت بود)!

آن مرد عابد که (با این اوصاف)، خود را در برابر او کم ارزش می‌دید و عبادتش را کوچک می‌دانست، نزد آن شیطانک (عابدنما) رفت و به او گفت: ای بنده خدا! چه چیز تو را به این همه نماز خواندن (و عبادت) نیرو داده (و وادار کرده)؟

(شیطانک) پاسخش را نداد. بار دوم پرسید، باز هم پاسخش را نداد! تا بار سوم؛ وقتی که پرسید، (شیطانک) گفت: ای بنده خدا! من گناهی کرده‌ام و از آن توبه نموده‌ام و هر گاه آن گناه را به خاطر می‌آورم، به نماز خواندن نیرو می‌گیرم.

مرد عابد گفت آن گناه را به من هم بگو تا انجام دهم و به دنبالش توبه کنم، و در نتیجه (مانند تو) بر خواندن نماز نیرو بگیرم. شیطانک بدو گفت: به شهر برو و سراغ فلان زن فاحشه را بگیر! و دو درهم به او بده، و با او کام خود بگیر (و سپس توبه کن تا مانند من بر عبادت نیرو بگیری)!

عابد گفت: دو درهم را از کجا بیاورم؟! من که نمی‌دانم درهم چیست؟ شیطان از زیر پای خود دو درهم بیرون آورد و به او داد. عابد برخاست و با همان جامه و لباس خود که در آن عبادت می‌کرد به شهر درآمد و سراغ منزل آن زن را گرفت؛ مردم او را به خانه آن زن راهنمایی کردند و گمان کردند برای موعظه‌ی او آمده است!

عابد به نزد آن زن رفت و دو درهم را پیش او انداخت و بدو گفت: برخیز! زن برخاست و به درون اتاق خود رفت و به مرد عابد گفت: داخل شو. عابد به درون اتاق رفت. آن زن بدو گفت: ای مرد!

تو در وضع و لباسی به خانه من آمده‌ای که معمولاً کسی با این وضع و لباس به نزد من نمی‌آید. شرح حال خود را برای من بگو! عابد سرگذشت خود (و شیطان) را برای آن زن تعریف کرد. زن گفت: «ای بنده خدا! ترک گناه آسان تر از توبه کردن است؛ و چنان نیست که هر کس توبه کند بدان برسد (و توبه‌اش پذیرفته گردد)! به نظر می‌رسد که آن فرد (که این راه را پیش پای تو گذارده)، شیطانی بوده که در نظرت مجسم شده (تا تو را از راه به در کند)؛ اکنون بازگرد، کسی را (در آنجا) نخواهی دید».

عابد (بدون آنکه به گناه آلوده شود)، برگشت. و آن زن همان شب از این جهان رفت! و چون صبح شد دیدند بر در خانه‌اش نوشته شده: «بر سر جنازه فلان زن (برای دفن و کفن او) حاضر شوید، که او از اهل بهشت است!»

مردم همه در شک و تردید فرو رفتند. و به خاطر همان تردیدی که در کار او پیدا کرده بودند، تا سه روز جنازه‌اش را به خاک نسپردند. خدای عزّ و جلّ به پیغمبر آن زمان – که جز موسی بن عمران (ع) کسی دیگر را سراغ ندارم – وحی فرمود: بالای جنازه فلان زن برو و بر وی نماز بخوان! و به مردم بگو: بر او نماز بخوانند که من او را آمرزیدم، و بهشت را بر او واجب کردم؛ چون فلان بنده‌ی مرا (با انجام امر به معروف و نهی از منکر) از گناه و نافرمانی من باز داشت.

* نکات:

– این روایت، حکایت بسیار قشنگی است در خصوص اهمیت و جایگاه بسیار بالای امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در بخشش سایر گناهان که در زمان بنی اسرائیل اتفاق افتاده و حضرت صادق (ع) آن را با جزئیات بیان فرموده‌اند.

– باید توجه داشته باشیم که ترک دنیا در اسلام مذموم است، لکن در آن زمان شاید چنین نگاهی نبوده. به هر حال این عابد، بنده صالحی از بندگان خدا بوده که در کنج خلوتی (یا شاید در محلی بیرون از شهر...)، به نماز و عبادت مشغول بوده. و شیطان که از او عصبانی بوده، از راه‌های مختلف سعی می‌کرده او را به گناه بکشاند؛ اما موفق نمی‌شده.

* پیام ها و رهنمودها:

— عین متن این حکایت طولانی که توسط حضرت امام صادق ع برای عبرت مومنین و مسلمین نقل شده، سرشار از پندها و رهنمودهای واضح برای ما و پیروان حضرت و سالکان قرب الهی است. لکن برخی از نکات قابل تامل روایت را اجمالاً بر می شماریم:

۱. اینکه در جمع مشورتی شیاطین، برای به دام انداختن این مرد عابد مومن، از بین گناهایی مثل زنا و شراب خواری و لذت جویی و دنیاجویی، راهکار «از راه نیکوکاری و عمل خوب وارد شدن» انتخاب می شود (مِنْ نَاحِيَةِ الْبِرِّ)، قابل تامل و درس آموز است.

۲. این ادعا که «گناه کن و بعد توبه کن!»، از ناحیه و زبان هر کس، با هر لباس و ظاهری که توصیه شود (با وعده ی رسیدن به مقامات بالاتر یا...)، خدعه ای از خدعه های شیطان بیش نیست. و نباید فریب آن را خورد؛

۳. این نکته که: ممکنست گاهی یک انسان عابد، بصیرت و بینش دشمن شناسی اش کمتر از یک انسان عاصی گناهکار باشد! و او خدعه ی شیطان را بهتر بشناسد؛

۴. در حالی این یک زاهد عابد، فریب این نیرنگ شیطانی را در ابتدا می خورد و به دنبال آدرس زن فاحشه، «برای گناه» رفت، که شاید مردم فکر می کردند «برای نصیحت و ارشاد» و امر به معروف و نهی از منکر نزد زن بدکاره می رود! و این یعنی حتی عرف جامعه ای و عامه مردمی که خودش با یک گناه کنار آمده هم از یک مومن و عابد انتظار امر به معروف و نهی از منکر گناهکاران را (در صورت مواجهه با یکدیگر) دارد. و این تنها انتظار و دستور خداوند نیست؛

۵. نکته بسیار مهم دیگر در این قصه و روایت، این است که حتی یک انسان بدکار و بدکاره نیز می تواند امر به معروف و نهی از منکر کند؛ حتی اگر فرد مورد امر و نهی، عبادت یا تقوا یا عمل صالحش از او بیشتر باشد؛

۶. محتمل است که این زن بدکاره، بعد از ملاقات با این عابد و تا پیش از مرگش، حتماً نسبت به کارهای زشت گذشته اش متنبه شده و توبه کرده است (چون روایت می گوید: بهشتی شده)، و این نشان می دهد که انجام امر به معروف و نهی از منکر نسبت به دیگران، می تواند نجات بخش خود انسان هم باشد؛ و اتفاقاً گاهی «نهی از منکر توسط شخص گناهکار،

باعث توبه کسی که سال ها خودش گناه کرده است هم می شود!» تا جایی که خودش هم از معصیت توبه می کند و امر به معروفش زمینه هدایتش می شود؛

۷. خیلی عجیب است که این زن فقط یک نفر را با رفتارش از گناه نجات داده و یک امر به معروف و نهی از منکر کرده، و فقط به یک نفر تذکر داده؛ و خداوند می فرماید چون جلوی معصیت یک بنده من را گرفت، چون امر به معروف و نهی از منکر کرد، به خاطر همین یک تذکر، تمام کارهای زشت و گناه های یک عمر این زن را بخشیدم و بهشت را بر او واجب کردم؛ و به نبی اش می فرماید که بر او نماز بخوان! معلوم می شود چقدر انجام امر به معروف و نهی از منکر ارزش دارد و چه جایگاهی دارد...؛ و خوشا به حال آمران به معروف و ناهیان از منکر.

– آیت الله جاودان حفظه الله در بیانی زیبا چنین معنایی را می فرمایند که در برزخ ما، امر به معروف و نهی از منکرهای ما است که به دادمان می رسد؛ چون از هیچ عمل مان مطمئن نیستیم، ولی این عمل مان قطعاً رضایت امام زمان ع را در پی خواهد داشت. خداوند آن قدر دوست دارد که مردم دست هم را بگیرند و جلوی گناه هم را بگیرند.

خدایا! ما را در این راه ثابت قدم و محکم و مستدام بدار.

بر گرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هشادم : دوستداران راه خدا...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ :

إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ قَدْ أَضَاءَ نُورٌ وَجُوهِهِمْ وَ نُورٌ أَجْسَادِهِمْ وَ نُورٌ
مَنَابِرِهِمْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى يُعْرَفُوا بِهِ فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ

* سند روایت:

وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۶۶ - المحاسن (للبرقي) ج ۱، ص ۲۶۵ - الكافي (ط - اسلاميه) ج ۲
ص ۱۲۵ - ثواب الاعمال ص ۱۵۲ - رسائل فيض كاشاني ج ۲ ص ۳۲ - مرآت العقول ج ۸ ص ۲۵۹
- الوافي ج ۴ ص ۴۸۱

طريق اول: (مسند، تعليق، موثق) محمد بن يعقوب [تعليق] [الكليني، امامي ثقة جليل] عن الحسين
بن محمد [ابن عامر، امامي ثقة] عن معلى بن محمد [البصري، امامي ثقة جليل على التحقيق
مضطرب الحديث و المذهب عند النجاشي] عن الحسن بن علي الوشاء [امامي ثقة جليل] عن علي

بن أبي حمزة [البطائنی، من رؤوس الواقفه لكن الظاهر اخذ المشايخ عنه قبل وقفه و هو امامی
ثقه] عن أبي بصير [يجیب ابوبصیر الاسدی، امامی ثقه جلیل من اصحاب الاجماع و لیس بواقفی] عن
أبي عبد الله ع قال سمعته يقول

طریق دوم: (مسند، تذیل، موثق) رواه البرقی فی المحاسن عن الحسن بن علی الوشاء [مثله] عن
علی بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال سمعته يقول

* شرح و ترجمه حدیث:

از امام صادق علیه السلام نقل است که ایشان می فرمودند: «دوست داران برای خدا» کسانی
هستند که در روز قیامت، نور چهره هایشان و نور پیکر هایشان و نور منبر هایشان بر همه چیز،
روشنی می افکند و به آن نور شناخته می شوند تا جایی که از شدت آن نور، گفته می شود که آنها
«دوست داران برای خدا» هستند.

* نکات:

– بحث «مُتَحَابِّين» صرفاً کسانی که خدا را دوست دارند نیست (این قدر مسلّم است)، بلکه
مُتَحَابِّين «فِي اللَّهِ» است؛ یعنی کسانی که «در راه خدا» و «به خاطر خدا» دوست دارند؛ یعنی
رضایت خدا را بر هر چیزی ترجیح می دهند.

* پیام ها و رهنمودها:

– «الْمُتَحَائِبِينَ فِي اللَّهِ» یعنی کسانی که حب شان با خدا تنظیم می شده، حب و بغض شان به خاطر خدا بوده؛ اگر لبخندی می زدند، به خاطر خدا، و اگر اخمی هم می کردند به خاطر خدا بوده. و این، همان «بی تفاوت نبودن» است که پیش زمینه امر به معروف و نهی از منکر کردن است.

– روایات می فرماید این الْمُتَحَائِبِينَ فِي اللَّهِ، بر منبرهایی از نور هستند، چهره هایشان نورانی است، اجساد و جسم و پیکرشان که بالای این منبرها هست، نورانی است. و می فرماید که اینها به این نور بسیار زیاد شناخته می شوند و نورشان بر همه جا (کلّ شیء) می تابد. و می گویند اینها کسانی هستند که در دنیا حب شان به حب خدا گره خورده بوده. یعنی اگر کسی را دوست می داشتند، به خاطر خدا بوده. و اگر با کسی هم کاهش رابطه یا قهر و اخم می کردند یا تذکری می دادند، به خاطر خدا بوده.

– مصداق این جور افراد در زمانه ما، می تواند آن شهید بزرگوار (ظاهرا شهید باکری) باشد که خانواده اش از ش می پرسیدند چرا می روی از آن مغازه که دورتر هست خرید می کنی و از این مغازه نزدیک تر خرید نمی کنی؟ و ایشان می گفت: چون او عکس امام خمینی (ره) بالای سرش نصب کرده و معلوم است که امام را دوست دارد و من هم سعی می کنم از او خرید کنم تا پولم در جیب او برود.

انشاءالله در قیامت ما هم جزو این دسته و در کنار آنان محشور باشیم...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هشادویکم: شرط «نجات» یا «حلاک»!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

[فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ... (الأعراف/١٦٥)] قَالَ:
كَانُوا ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ اَمَرُوا فَانجَوْا وَ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَمَسَخُوا ذُرًّا وَ صِنْفٌ لَمْ
يَأْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَهَلَكُوا

* سند روایت:

وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٤٩ - الكافي (ط اسلاميه) ج ٨ ص ١٥٨ - الوافي ج ٢٦ ص ٤٣٦ -
بحار الانوار ج ٩٧ ص ٧٦ - مرآت العقول ج ٢٦ ص ١٩ -

طريق اول: (مسند، عادي، موثق) محمد بن يعقوب [الكليني، امامي ثقة جليل] عن عدة من أصحابنا
عن سهل بن زياد [الآدمي، امامي مختلف فيه و التحقيق انه ثقة] عن عمرو بن عثمان [الخزاز، امامي

ثقه [عن عبد الله بن المغيرة [البجلي، امامی ثقه جليل من اصحاب الاجماع] عن طلحة بن زيد
[الشامی، عامی بتری لكن كتابه معتمد و هو ثقه على التحقيق] عن أبي عبد الله ع

طريق دوم: (مسند، تذييل، موثق) رواه الصدوق [محمد بن علي بن الحسين بن بابويه، امامی ثقه
جليل] في الخصال عن أبيه [علي بن الحسين بن بابويه، امامی ثقه جليل] عن محمد بن يحيى
[العطار، امامی ثقه جليل] عن سهل بن زياد [مثله] [الآدمي، امامی مختلف فيه و التحقيق انه ثقه]
عن عمرو بن عثمان [الخزاز، امامی ثقه] عن عبد الله بن المغيرة [البجلي، امامی ثقه جليل من
اصحاب الاجماع] عن طلحة بن زيد [الشامی، عامی بتری لكن كتابه معتمد و هو ثقه على التحقيق]
عن أبي عبد الله ع

* شرح و ترجمه حدیث:

امام صادق (ع) در شرح و تفسیر آیه شریفه ۱۶۵ سوره اعراف که درباره اصحاب سبت است و
ساکتان را شریک گناه گناهکاران می داند؛ می فرماید: آنها سه دسته شدند؛ گروه اول کسانی که
هم خودشان گناه را ترک کردند و هم امر به معروف و نهی از منکر می کردند لذا نجات یافتند.
گروه دوم کسانی که خودشان ظاهراً گناه نمی کردند اما بخاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر،
شریک گناه دیگران شدند و مسخ شدند. و دسته سوم کسانی که نه خودشان مراعات میکردند و نه
امر به معروف و نهی از منکر می کردند و آنها هم هلاک شدند.

* نکات:

– این روایت درباره ماجرای «اصحاب سبت» است، که ذیل آیه شریفه ۱۶۵ اعراف به تفسیر این
آیه و ماجرای نازل شدن عذاب الهی بر این قوم، و نجات یافتن و هلاک شدن برخی از آنان اشاره
دارد.

* پیام ها و رهنمودها:

– روایت می فرماید، آنان سه دسته بودند (ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ):

- ✓ یک گروهی که هم خودشان اطاعت می کردند و صالح بودند، و هم امر به معروف و امر به اطاعت الهی می کردند؛ که آنها نجات پیدا کردند (فَنَجَوْا).
- ✓ صنف یا گروه دوم، آنهایی بودند که خودشان امر شدند و پذیرفتند (صالح بودند، حلال خور بودند)، ولی امر به معروف نکردند؛ که اینها مسخ شدند (فَمُسَخُّوْا).
- ✓ و دسته سوم هم کسانی بودند که نه امر به معروف می کردند و نه صالح بودند؛ که آنها هلاک شدند (فَهَلَكُوْا).

– هنگامی که عذاب عمومی نازل می شود، خداوند متعال، آمران به معروف و ناهیان از منکر را نجات می دهد.

– کسی که مصلح نباشد و نسبت به گناهان اطرافش بی تفاوت باشد، به گناه دیگران عذاب می شود؛ حتی اگر خودش صالح باشد و آن گناه را انجام ندهد؛ زیرا سکوت، نشانه رضایت است.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هشاد و دوم: «اِهلُ خِدا» چه کسانی هستند؟!

عَلِيٌّ بِنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ :

قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ ع : يَا رَبِّ مَنْ أَهْلُكَ الَّذِينَ تَظَلُّهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ فَأَوْحَى
اللَّهُ إِلَيْهِ الطَّاهِرَةَ فُلُوبُهُمْ وَالْبَرِيئَةَ أَيْدِيَهُمُ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ جَلَالِي ذَكَرَ آبَائِهِمْ إِلَيَّ أَنْ قَالَ وَالَّذِينَ
يَغْضَبُونَ لِمَحَارِمِي إِذَا اسْتَحَلَّتْ مِثْلَ النَّمْرِ إِذَا جُرِحَ

* سند روایت:

وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٤٧ - المحاسن (للبرقي) ج ١ ص ١٦ و ٢٩٣ - بحار الانوار ج ٨١ ص ١٧
- مستدرک الوسائل ج ٣ ص ٣٦١ -

طريق اول : (مسند، عادی، صحیح) أحمد بن محمد بن محمد بن خالد البرقي [امامی ثقة جلیل] فی
المحاسن عن جعفر بن محمد [بن عبیدالله الأشعری، امامی ثقة علی التحقیق] عن عبد الله بن
میمون القداح [امامی ثقة و لیس من الاسماعیلیه] عن أبي عبد الله ع عن أبيه ع عن جده علی بن
الحسين ع

*** شرح و ترجمه حدیث:**

قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ ع : يَا رَبِّ مَنْ أَهْلَكَ الَّذِينَ نُظِّلَهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ الطَّاهِرَةَ فُلُوبَهُمْ وَالْبَرِيئَةَ أَيْدِيَهُمْ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ جَلَالِي ذَكَرَ آبَائِهِمْ إِلَيَّ أَنْ قَالَ وَالَّذِينَ يَغْضَبُونَ لِمَحَارِمِي إِذَا اسْتَحَلَّتْ مِثْلَ النَّمْرِ إِذَا جُرِحَ

حضرت امام زین العابدین (ع) فرمودند:

موسی بن عمران(ع) به خداوند عرض کرد: پروردگارا اهل تو که (وعده کرده ای) آنها را در روزی که سایه ای نیست، در سایه عرش خودت پناه خواهی داد؛ چه کسانی هستند؟ پس خدای عز و جل به حضرت موسی(ع) وحی فرمود: آنها کسانی هستند که قلبهایشان پاک و طاهر است و دستهایشان پاک و بی آلایش است. کسانی هستند که خداوند را همواره یاد می کنند و ... تا آنجا که فرمود: «آنها کسانی هستند که وقتی می بینند حرام خدا، حلال شمرده می شود، غضبناک می شوند؛ مانند پلنگی که زخمی شده باشد»

*** نکات:**

— روایت به نقل از امام سجاد ع است که می فرماید: حضرت موسی بن عمران ع روزی درباره «اهل خدا»، از خداوند سوال کرد، که پروردگارا! آنانی که در روزی که جز سایه حمایت و شفاعت خودت، سایه و پناهی نیست (روز قیامت)، در زیر سایه خودت قرارشان می دهی، چه کسانی هستند؟ ، لذا احتمالاً چنین مضمونی در تورات یا انجیل یا دیگر کتب آسمانی آن زمان وجود داشته که حضرت موسی ع درباره اش از خداوند سوال کرده است.

* پیام ها و رهنمودها:

– خداوند به حضرت موسی ع می فرماید: «اهل من»، آن کسانی هستند که: قلب و دل شان پاک است (الطَّاهِرَةُ قُلُوبُهُمْ)، دست هایشان پاک است و به گناه آلوده نیست (الْبَرِيَّةُ أَيْدِيهِمْ)، و برخی ویژگی های دیگر، تا آنجا که خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ يَعْضُبُونَ لِمَحَارِمِي إِذَا اسْتَحِلَّتْ مِثْلَ النَّمْرِ إِذَا جُرِحَ»؛ یعنی کسانی که به خاطر و زمانی که حرام های خدا، حلال شمرده شوند، مانند ببر یا پلنگی که مجروح شده غضبناک می شوند.

– لذا یکی از ویژگی های آنهایی که در روز قیامت – که در مضامین قرآنی و روایی هم داریم که آن روز هیچ کسی نمی تواند از کسی حمایت کند و هیچ شفاعتی نیز الا به اذن خداوند پذیرفته نمی شود، – زیر سایه و تحت چتر حمایتی خداوند قرار می گیرند و به افتخار و مقام «اهل خدا» بودن نائل می شوند، این است که آنان وقتی می بینند حرام خدا، حلال شمرده می شود، خشمگین و غضبناک می شوند. و لذا این اهمیت و جایگاه ویژه امر به معروف و نهی از منکر، و نیز امر به معروف و ناهی از منکر را نیز نشان می دهد.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حديث هشاد و سوم: شرکاء سه گانه می ظلم!

عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ:

الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَالرَّاضِي بِهِ وَالْمُعِينُ عَلَيْهِ شُرَكَاءُ ثَلَاثَةٌ

* سند روایت:

وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۳۹ و ۱۴۰ - مهذب الاحكام (للسبزواری) ج ۱۵ ص ۲۳۵ -

طريق اول: (مسند، عادی، موثق) محمد بن علی بن الحسين [بن بابويه، امامی ثقة جلیل] فی الخصال عن محمد بن الحسن [بن احمد بن ولید، امامی ثقة جلیل] عن الصفار [محمد بن الحسن، امامی ثقة جلیل] عن العباس بن معروف [امامی ثقة] عن محمد بن سنان [الزاهری، امامی مختلف فيه والتحقیق انه ثقة] عن طلحة بن زید [الشامی، عامی بتری لكن كتابه معتمد و هو ثقة علی التحقیق] عن جعفر بن محمد ع عن آبائه ع عن علی ع

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فرمودند:

کسی که ظلم می کند و کسی که به آن ظلم راضی باشد و کسی که به آن ظلم کمک کند، هر سه شریک عمل یکدیگر هستند.

*** نکات:**

– این روایت، مشابه روایت دیگری است که قبلاً درباره رضایت به گناه و سکوت در برابر گناه (که به نشانه ی رضایت است)، ذکر نموده ایم (الرّاضی بعَمَلِ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ...).

*** پیام ها و رهنمودها:**

– کسی که ظلمی را انجام می دهد، و کسی که راضی به آن است، و کسی که کمک به آن ظلم می کند، همه شریک در آن ظلم هستند.

– باید توجه داشته باشیم که هم «ظلم کردن»، «گناه» است، و هم اینکه هر «گناهی»، به نوعی «ظلم» نیز هست. چون بالاخره یا حق الله است، یا حق الناس است، و یا حق النفس. لذا «راضی» به گناه، مثل «عامل» و «معین» گناه است.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هشتاد و چهارم: سوختن ترو خشک

قَالَ عَلِيٌّ ع :

إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِذُنُوبِ الْخَاصَّةِ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ الْأَوَّلَ ثُمَّ قَالَ وَ قَالَ لَا يَحْضُرَنَّ أَحَدَكُمْ رَجُلًا
يَضْرِبُهُ سُلْطَانٌ جَائِرٌ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا وَ لَا مَقْتُولًا وَ لَا مَظْلُومًا إِذَا لَمْ يَنْصُرْهُ لِأَنَّ نَصْرَتَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ
فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ إِذَا هُوَ حَضَرَهُ وَ الْعَافِيَةُ أَوْسَعُ مَا لَمْ تَلْزِمَكَ الْحُجَّةُ الظَّاهِرَةُ قَالَ وَ لَمَّا جُعِلَ التَّفَضُّلُ فِي
بَنِي إِسْرَائِيلَ جَعَلَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَرَى أَخَاهُ عَلَى الذَّنْبِ فَيَنْهَاهُ فَلَا يَنْتَهِي فَلَا يَمْنَعُهُ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ أَكْبَلَهُ
وَ جَلِيسَهُ وَ شَرِيبَهُ حَتَّى ضَرَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلُوبَ بَعْضِهِمْ بِبَعْضٍ وَ نَزَلَ فِيهِمُ الْقُرْآنُ حَيْثُ يَقُولُ عَزَّ وَ
جَلَّ لَعْنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا
يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مَّنْكَرٍ فَعَلُوهُ (المائدة ، ٧٨)

* سند روایت:

وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٣٦ - بحار الانوار ج ٩٧ ص ٧٩ - دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدوله
الاسلاميه ج ٢ ص ٢٣٤ -

طریق اول : (مسند، ضمیر و تذیل و اشاره، موثق) محمد بن علی بن الحسین [بن بابویه، امامی ثقه جلیل] فی عقاب الأعمال عن محمد بن الحسن [بن احمد بن ولید، امامی ثقه جلیل] عن محمد بن اَبی القاسم [عبدالله بن عمران، امامی ثقه جلیل] عن هارون بن مسلم [بن سعدان، امامی ثقه جلیل] و كان له مذهب فی الجبر والتشبيه [عن مسعده بن صدقه [اشاره]] [قیل انه عامی بتری و فيه كامل و هو ثقه علی التحقیق] عن جعفر بن محمد ع [ضمیر] قال قال علی ع

* شرح و ترجمه حدیث:

امیرالمومنین امام علی(ع) فرمود: خداوند عامه مردم را بخاطر گناه گروهی خاص، عذاب نمی کند (مگر آنکه عامه مردم، نهی از منکر را ترک کنند). سپس حدیث اول را خواندند و فرمودند مبادا که یکی از شما صحنه ظلمی را ببیند که سلطان جائری از روی دشمنی و ظلم، بی گناهی را می زند و تماشا کند و آن بی گناه را نصرت نکند! چرا که یاری رساندن به آن مومن، بر همه مومنین وظیفه و تکلیف واجب است... سپس فرمودند: هنگامی که خداوند بنی اسرائیل را برتری داده بود، مردمی (مردی) در میان آنها بود که دیگران را در حال گناه می دید و آنها را نهی میکرد اما با آنان همنشین و هم سفره می شد. تا آنجا که بر اثر این بی تفاوتی ها خداوند، قلوبشان را دگرگون ساخت و آیه شریفه ۷۸ سوره مبارکه مائده دراره آن جماعت نازل شده است.

این روایت شریف درباره بنی اسرائیل است و احتمالاً به ماجرای اصحاب سبت اشاره می نماید. در این زمینه هشدار امام (ع) قابل توجه و مورد تاکید است که اینگونه ترک امر به معروف و نهی از منکر، امتی را که مورد فضل خداوند قرار گرفته است، از عزت به ذلت می کشاند و در وادی سقوط رها می کند.

*** نکات:**

– بنی اسرائیل، نه دهها آیه قرآن درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر خوانده بودند؛ و نه صدها حدیث و روایت از ائمه معصومین درباره ضرورت انجام این واجب الهی شنیده بودند. اما با ترک تذکر توسط تک تک آحاد امت، به ذلالت و بدبختی دچار می شوند. اکنون آیا ما که امت اسلام هستیم و با تاکیدات فراوان قرآن و عترت درباره این فریضه آشنا هستیم، مسئولیت سنگین تری نداریم؟ به راستی وقتی آنها بخاطر ترک این واجب مهم، لعنت شدند و کافر گشتند، ما اگر درباره این واجب کوتاهی کنیم، شایسته چه بلا و عقوبتی خواهیم بود؟

*** پیام ها و رهنمودها:**

– تر و خشک، با هم نمی سوزند؛ مگر آن ترهایی که بخاطر مجالست و رفاقت با خشک ها، رفته رفته از آتش آنها خشک می شوند و سپس به آتش آنها می سوزند.

– اگر مومن مظلومی را یاری نکنیم، ما هم در ظلمی که به او روا داشته می شود، شریک خواهیم بود. جالب آنکه در این روایت، حرفی از «استمداد یا عدم استمداد مظلوم» مطرح نشده و سکوت و بی تفاوتی ما حتی بدون کمک خواستن از طرف مظلوم نیز نکوهش و مذمت شده است.

– صرف نهی از منکر زبانی کافی نیست و گاهی لازم است به صورت موقت یا دائم با گناهکار قطع رابطه یا کاهش ارتباط صورت پذیرد تا او متوجه خطا و اشتباهش بشود

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هشاد و پنجم: مرده محرک، قطره و دریا

عن علی امیر المومنین ع :

فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ
التَّارِكُ بِيَدِهِ فَذَلِكَ مَتَمَسِّكٌ بِخِصْلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضِيعٌ خِصْلَةً وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ
بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَذَلِكَ الَّذِي ضَيَّعَ أَشْرَفَ الْخِصْلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ
الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ
بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ وَ إِنْ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا
يُقَرَّبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ

* سند روایت:

وسائل الشیعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۳۴ - نهج البلاغه ص ۴۸۳ - بحار الانوار ج ۹۷ ص ۸۹ - جواهر الکلام
فی شرح شرایع الاسلام ج ۲۱ ص ۳۸۵ - من فقه الزهراء علیها سلام ج ۴ ص ۱۰۳ - فقه الصادق
علیه السلام ج ۱۳ ص ۲۲۰ - دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه ج ۲ ص ۲۲۹

طریق اول: (مرفوع، ضمیر) قال الرضی [محمد بن الحسین السید الرضی، امامی ثقه جلیل] و قد
قال علی ع [ضمیر]

* شرح و ترجمه حدیث:

حضرت امام علی (ع) در بیانی زیبا و پرمغز چنین فرموده اند:

گروهی از مردم، با قلب (اظهار ناراحتی در رفتار) و دست و زبان، نهی از منکر می کنند. اینها
اجمع خصلتهای نیکو را تکمیل کرده اند. و برخی دیگر هستند که فقط با قلب و زبان، نهی از
منکر می کنند (و اقدام فیزیکی را انجام نمی دهند). اینها دو خصلت از خصلتهای خوب را تکمیل
کرده اند و خصلت سوم را ضایع نموده اند. عده ای دیگر هستند که فقط مرحله قلبی (ابراز
ناراحتی) را انجام میدهند و تذکر زبانی و یدی را ترک می کنند؛ اینها از میان سه خصلت، آن
دوتا که شریف ترین است را ضایع می کنند و فقط به یکی متمسک می شوند. برخی دیگر از مردم
هم هستند که نه با ابراز انزجار و نه با تذکر زبانی و نه با زور، جلوی گناه را نمیگیرند و آنها مرده
هایی هستند در میان زندگان. و همه اعمال خیر و حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به
معروف و نهی از منکر، هیچ نیست مگر مانند نم دهان در مقایسه با دریایی عمیق. و همانا امر به
معروف و نهی از منکر نه اجل را نزدیک می کند و نه رزق را کاهش می کند. و برتر از آن، کلام
حق و عدالتخواهی است که نزد پیشوای ظالم گفته شود.

* نکات:

— امر به معروف و نهی از منکر، سه مرحله دارد:

✓ مرحله اول: مرحله رفتاری (ابراز کراهت از قلب به چهره): یعنی بر هر مسلمان واجب
است با چهره و اشاره و رفتار خویش، ناراحتی خود را به معصیتکار بفهماند و تنفر قلبی از
گناه را در رفتارش نمایان کند. این مرحله بر همه مسلمانان واجب است.

✓ مرحله دوم: مرحله تذکر زبانی: تذکر لسانی وظیفه همگانی است و بر هر مسلمان فرض است که با زبان و لحن مناسب، به گناهکار تذکر دهد و اشتباه او را به او بگوید. این مرحله نیز واجب عمومی است و نیاز به اذن مجتهد و حکومت ندارد.

✓ مرحله سوم: مرحله اقدام فیزیکی و اعمال زور (توسل به زور و جبر): این مرحله را مرحله یدی هم می گویند. اقداماتی مانند دستگیر کردن مجرم، ضرب و جرح و زندانی نمودن و امثال آن را شامل می شود که باید به اذن مجتهد جامع الشرایط انجام گیرد و عموم مردم بدون اجازه حاکم شرع، حق ورود به این مرحله را ندارند. در جمهوری اسلامی ایران نیز این مرحله به عهده ضابطان قضایی و نیروهای انتظامی و نظامی است.

* پیام ها و رهنمودها:

– در نخستین بخش روایت که حضرت علی (ع) ، تارک مراحل مختلف فریضه را توصیف می نمایند، وقتی به تارک تذکر لسانی می رسند؛ می فرمایند: «وَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَالتَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ» ، و سپس تعبیر اشرف الخصلتين را استفاده می فرمایند. «فَذَلِكَ الَّذِي ضَيَعَ أَشْرَفَ الْخَصَلَتَيْنِ مِنْ الثَّلَاثِ» یعنی تاکید «اشرف الخصلتين» ، بیشتر بر روی تذکر زبانی است تا اقدام فیزیکی.

– کسی که همه مراحل امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، به مرده ای بی خاصیت تشبیه شده است. مومن پلاستیکی. یعنی به درد نخور است و هیچ خاصیتی برای خود و اطرافیانش ندارد. شاید هم علت این تشبیه بلیغ، آن باشد که شخص مرده، توان دفاع از خود ندارد و اگر دیگران حتی به حقوق وی تجاوز کنند، از خود دفاع نمی کند. تماشا میکند تا به حقش دست درازی کنند. اسلام عزیز، امر به معروف و نهی از منکر را واجب فرموده تا مسلمان، تماشاچی نباشد و به دفاع از حق خود و حق جامعه برخیزد.

– در برخی روایات، تذکر به سلطان جائر، به عنوان افضل الجهاد یاد شده است و در بیانات آیت الله العظمی خامنه ای نیز مهمترین حوزه امر به معروف و نهی از منکر را ، حوزه مسئولان می

یابیم. یعنی تذکر به تک تک آحاد جامعه و فرد فرد خطاکاران گرچه واجب است؛ اما مهم تر از آن، نهی از منکر نمودن مسئولان، مدیران و افراد دارای نفوذ است که حرامی را مرتکب می شوند.

– کسانی که به بهانه ترس از کشته شدن و آسیب دیدن، امر به معروف و نهی از منکر را ترک می کنند؛ مخاطب بخش نهایی فرمایش امام علی(ع) در متن فوق هستند و باید بدانند که این دو فریضه، نه تنها عمر کسی را کوتاه نمی کنند و رزق و روزی کسی را کاهش نمی دهند، بلکه چون در روایات (که قبلا اشاره شد)، امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق صدقه ذکر شده است، حتی بر رزق و عمر انسان می افزاید. (البته اگر گاهی ترس، ریشه حقیقی در مفسده اهم داشته باشد، رافع تکلیف است. اما هر ترس و هر خطر کوچکی، رافع تکلیف امر به معروف و نهی از منکر نیست)

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هشاد و ششم: ارمیای نبی و تسلط بخت النصر

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع :

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا (البقره، ۲۵۹) قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ نَبِيًّا يُقَالُ لَهُ إِرْمِيَا إِلَى أَنْ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ قُلْ لَهُمْ إِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُ الْمُقَدَّسِ وَالْغُرْسَ بَنُو إِسْرَائِيلَ عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي فَلَأَسْلَطَنَّ عَلَيْهِمْ فِي بِلَدِهِمْ مَنْ يَسْفِكُ دِمَاءَهُمْ وَيَأْخُذُ أَمْوَالَهُمْ فَإِنْ بَكَوْا إِلَى لَمْ أَرْحَمْ بِكَاءَهُمْ وَإِنْ دَعَوْنِي لَمْ أَسْتَجِبْ دُعَاءَهُمْ ثُمَّ لَأُخْرِبَنَّهَا مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ لَأَعْمُرَنَّهَا فَلَمَّا حَدَّثَهُمْ اجْتَمَعَ الْعُلَمَاءُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا ذُنُوبُنَا نَحْنُ وَ لَمْ نَكُنْ نَعْمَلْ بِعَمَلِهِمْ فَعَاوِذْ لَنَا رَبِّكَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ قُلْ لَهُمْ لَأَنْتُمْ الْمُنْكَرُ فَلَمْ تُنْكِرُوهُ فَسَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بَخْتَ نَصْرٍ فَصَنَعَ بِهِمْ مَا قَدْ بَلَغَكَ الْحَدِيثَ

* سند روایت:

وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۴۲ و ۱۴۳ - بحار الانوار ج ۹۷ ص ۸۶ - مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۹۱

طریق اول : (مرفوع، تعلیق) محمد بن مسعود العیاشی [تعلیق] [امامی ثقه جلیل] فی تفسیره عن
أبی بصیر [یحیی ابوبصیر الاسدی، امامی ثقه جلیل من اصحاب الاجماع و لیس بواقفی] عن أبی
عبد الله ع

* شرح و ترجمه حدیث:

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ۲۵۹ سوره مبارکه بقره می فرمایند:

خداوند عز و جل پیامبری برای بنی اسرائیل فرستاد که او را «ارمیا» می خواندند. تا آنجا که
فرمود: خداوند به او وحی فرمود که به آنها بگو اینجا بیت المقدس است و زمین های بنی اسرائیل
است که معصیت می کردند و بر آنان کسی را مسلط خواهم کرد که خونها را بریزد و اموالشان را
«به زور» بگیرد. پس اگر گریه و زاری کنند، به گریه شان رحم نخواهم کرد و اگر دعا کنند و مرا
بخوانند، مستجاب نخواهم کرد. سپس آن را صدسال ویرانه خواهم کرد و دوباره آبادش می کنم.
هنگامی که ارمیا این مطلب را به آنان فرمود؛ علمایشان جمع شدند و پرسیدند: «ای رسول خدا!
گناه ما چیست؟ ما که همراه گناهکاران نبودیم و معصیت نمیگردیم...» تا آنجا که فرمود: خداوند
به او وحی کرد به ایشان بگو: «برای این که شما منکر را می بینید ولی نهی از منکر نمی کنید!»
پس خدا «بخت النصر» را بر آنها مسلط کرد و آنچه خدا وعده داده بود، برایشان اتفاق افتاد.

* نکات:

– ترک امر به معروف و نهی از منکر در امتهای گذشته نیز موجب قهر و غضب خدا بوده است و
هیچ امتی گرفتار عذاب الهی نمی شود مگر زمانی که بی تفاوتی پیشه کنند و نسبت به گناهکاران
اعتراض نکنند.

– علما وظیفه شان از بقیه مردم سنگین تر است و اگر امر به معروف و نهی از منکر را انجام ندهند،
آنها هم دچار عقوبت الهی خواهند شد.

*** پیام ها و رهنمودها:**

– تسلط اشرار، نتیجه عادی شدن گناه و نیز نتیجه خشم الهی است.

– خداوند نسبت به ولی خود غیرت دارد و هنگامی که ببیند مردم، ولی خدا را در جمگ با منکرات تنها گذاشته اند و بی تفاوتی پیشه کرده اند و منتظرند انبیا و اولیا همه چیز را درست کنند؛ بر مردم غضب می کند و آنها را به عدالت خویش مورد عذاب قرار می دهد. کسانی را بر آنها مسلط می کند که به آنها رحم نمی کنند. شاید حکمتش این باشد که مردم با تسلط اشرار و فاسدها، قدر اولیای الهی را بیشتر خواهند دانست. اما دیگر چه سود؟ نوشدارو پس از مرگ سهراب! ای کاش تا زمانی که اختیار و نیکان امت بر مسند حکومت جامعه هستند، مردم آنها را با امر به معروف و نهی از منکر همگانی یاری دهند تا کار به تسلط اشرار نرسد.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هشادو، هفتم: اگر قبول نکردند چه کنیم؟

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

لَأُحْمِلَنَّ ذُنُوبَ سَفَهَائِكُمْ عَلَيَّ عِلْمَانِكُمْ إِلَيَّ أَنْ قَالَ مَا يَمْنَعُكُمْ إِذَا بَلَغَكُمْ عَنِ الرَّجُلِ مِنْكُمْ مَا تَكْرَهُونَ وَ
مَا يَدْخُلُ عَلَيْنَا بِهِ الْأَذَى أَنْ نَأْتُوهُ فَتَوْبُوهُ وَ تَعَذَّلُوهُ وَ تَقُولُوا لَهُ قَوْلًا بَلِيغًا قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِذَا لَا
يَقْبَلُونَ مِنَّا قَالَ أَهْجُرُوهُمْ وَ اجْتَنِبُوا مَجَالِسَهُمْ

* سند روایت:

وسائل الشیعه؛ ج ۱۶؛ ص ۱۴۵ - کفایه الاحکام ج ۱ ص ۴۰۶ - جواهر الکلام فی شرح شرایع
الاسلام ج ۲۱ ص ۳۶۹ - مبانی منهاج الصالحین ج ۷ ص ۱۴۸ - دراسات فی ولایه الفقیه و فقه
الدوله الاسلامیه ج ۲ ص ۲۴۶ - مهذب الاحکام (للسبزواری) ج ۱۵ ص ۲۱۸

طریق اول: (مسند، ضمیر) محمد بن یعقوب [تعلیق] [الکلینی، امامی ثقه جلیل] عن عدّه من
أصحابنا [ضمیر] عن سهل [بن زیاد الّادمی، امامی مختلف فیہ و التحقیق انه ثقه] عن ابن محبوب

[الحسن بن محبوب السراة، امامی ثقة جلیل من اصحاب الاجماع علی قول] عن خطاب بن محمد
[خطاب ابو محمد الهمدانی] عن الحارث بن المغیره [النصری، امامی ثقة جلیل] أن أبا عبد الله ع
قال له

طریق دوم: (مسند، تذیل) رواه ابن ادریس [محمد بن منصور بن احمد بن ادریس] فی آخر
السرائر نقلا من کتاب المشیخه ل الحسن بن محبوب السراة، امامی ثقة جلیل من اصحاب الاجماع
علی قول] عن ابي محمد [خطاب ابو محمد الهمدانی] عن الحارث بن المغیره [مثله] [النصری،
امامی ثقة جلیل] أن أبا عبد الله ع قال له

* شرح و ترجمه حدیث:

حضرت امام صادق (ع) به خوبان امت فرمودند:

قطعا گناهان سفیهان و معصیتکاران شما را بر شما عالمان بار خواهم کرد... تا آنجا که فرمودند:
چه چیز مانع شما می شود که وقتی به شخصی می رسید که معصیت خدا می کند، او را با نصیحت
و سخن بلیغ، متنبه و اصلاح نمی کنید؟ پاسخ دادند: یابن رسول الله، فدایتان شویم؛ حرف ما را
نمی پذیرند! حضرت فرمودند: (شما بگوئید؛ اگر نپذیرفتند) از آنها عبور کنید و دوری کنید و از
شرکت در مجالس آنها اجتناب ورزید.

* نکات:

– اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، هم خدای متعال و هم امام جامعه، حق دارد که ما را
بخاطر معصیت معصیتکاران، مواخذه کند و گناه آنها را بر نیکان امت حمل کند. « لَأَحْمِلَنَّ ذُنُوبَ
سَفَهَائِكُمْ عَلَيَّ عُلَمَائِكُمْ »

*** پیام ها و رهنمودها:**

پذیرش یا عدم پذیرش تذکر توسط گناهکاران، رافع تکلیف ما نیست. اینکه آنها تذکر ما را بپذیرند یا نپذیرند، تغییری در وظیفه ما ایجاد نمی کند. ما باید هم تذکر زبانی بدهیم و هم از مجالس معصیت گناهکاران اجتناب کنیم و ناراحتی خود را از گناهان آنها ابراز داریم.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حديث هشادو، ششم: شمارا به جرم كناهكارانسان مواخذه مي كنيم

قَالَ الصَّادِقُ ع (لِقَوْمٍ مِنْ أَصْحَابِهِ) :

إِنَّهُ قَدْ حَقَّ لِي أَنْ آخُذَ الْبَرِيءَ مِنْكُمْ بِالسَّقِيمِ وَكَيْفَ لَا يَحِقُّ لِي ذَلِكَ وَأَنْتُمْ يَبْلُغُكُمْ عَنِ الرَّجُلِ مِنْكُمْ
الْقَبِيحُ فَلَا تُنْكِرُونَ عَلَيْهِ وَ لَا تَهْجُرُونَهُ وَ لَا تُؤْذُونَهُ حَتَّى يَتْرُكَ

*** سند روایت:**

وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٤٥ - كتاب القضاء (للكلبايكاني) ج ١ ص ٢٩٣ - الزبد الفقيه في شرح
الروضه البهيه ج ٣ ص ٦٧٧ - دراسات في ولايه الفقيه و فقه الدوله الاسلاميه ج ٢ ص ٢٣٩ -

طريق اول: (مرفوع، عادي) محمد بن الحسن [بن علي الطوسي، امامي ثقة جليل] قال قال الصادق
ع لقوم من أصحابه

*** شرح و ترجمه حديث:**

حضرت امام صادق(ع) به به برخی از یاران خود فرمودند:

من قطعاً حق دارم که بی گناهان شما را مواخذه کنم بخاطر گناهکارانتان و چرا چنین نکنم؟! در حالی که شما از گناهان با خبر می شوید و زشتکاری ها را می بینید اما نهی از منکر نمیکنید! و نیز گناهکار را طرد نمی کنید تا دست از گناهش بردارد! و چرا او را اذیت نمی کنید تا گناهش را ترک کند؟؟

* نکات:

– سکوت ، نشانه رضایت است و ما نسبت به گناهان اطراف خویش مسئولیم. نهی از منکر با رفتار و زبان و زور، واجب است و طبق شرایطش هر مسلمان موظف به انجام آن است.

* پیام ها و رهنمودها:

– قاعده آسانتر و سبب آسانتر، اینجا در روایت شریف، خودنمایی می کند ه «الایسر فالایسر». یعنی ابتدائاً نباید معصیتکار را اذیت کنیم. بلکه اول با رفتار و زبان او را متنبه می کنیم و اگر می دانیم این دو مرحله اثر نمی کند، اجازه خواهیم یافت که به طرد او و حتی اذیت او (با مراعات کمترین حد ضروری ایذاء) او را وادار به ترک معصیت نماییم.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir